

بیانیہ محرم الحرام ۱۴۳۷ هجری

بسم الله
 رَبِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ
 سلام الله عليه

باز صدای زنگ قافله به گوش دل های حسینی می رسد، قافله سالار، آن یگانه ای که سرور آزادگان و شهیدان است و نام او... نامی که دلهای دوستدارانش را به تپش واداشته، نامی که قرین لرزش اشک در دیدگان منتظران است: سرور یگانه ما «حسین صلوات الله علیه».

ماه محرمی دیگر از راه می رسد و شور است که در رگ های تک تک ما می جوشد و همراه با تمام عالم ملکوت، دلهای اندوهگین و نداها به شیون و ناله بلند است، در جایی که: «...فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَآتِمُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخُزَّانُهَا...»^۱

کجا جای سستی و سهل انگاری است؟

۱ - بخشی- از زیارت ناحیه مقدسه: المزار الکبیر لابن المشهدی: ص ۵۰۶ زیارة ۹، بحار الأنوار ج ۹ ص ۳۲۳ ب ۲۴.

شعائر

هرچند شعائر همیشه و هر لحظه باید اقامه گردد اما در هنگامه پیش رو، نمود تعظیم شعائر بسیار پررنگ تر است، شعائری که بایسته و شایسته بسیار دارد: رعایت ادب و آداب مهرورزی، بایسته های تعظیم شعائر است و برگزاری شکوهمندانه آن، شایسته این مراسم هدف قرار گرفتن شیعه و تشیع از همه جوانب و از جمله در شعائر، نشان از جایگاه عظیم و رفیع آن دارد. هجومی که دشمن از طریق فرقه سازی و ایجاد درگیری و تفرقه صورت می دهد. هجومی که با نفوذ در شعائر و منحرف نمودن آن از مسیر خویش انجام می شود. هجومی که در صدد پوچ نمودن عقیده شیعه از درون است؛ واقعیت این است که مذهب ما از همین طریق شناسانده می شود و اندکی تأمل می طلبد تا علت تأکید اهل بیت علیهم السّلام را در این زمینه دریابیم. باید مراقب انتساب خویش به امام باشیم و به خصوص در این هنگامه که موضوع تعظیم شعائر بسیار به چشم می آید.

شناخت فتنه های دشمنان

مبادا به دام فتنه ها مبتلا شویم. باید تمام حواس خویش را یک جا متمرکز کنیم: بر روی شناخت و یاری امام غریبی که قرن هاست مصیبت زده و چشم انتظار است. آنچه از این دایره بیرون باشد، دامی است که دشمن برای

نابودی راه منتقم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين، گسترده است.

سرآغاز فتنه ها

مهم ترین نکته ای که باید دریابیم همین است، اینکه بدانیم آنچه مردم را به گمراهی و بیچارگی کشید، عدم شناخت امام بود، و هست، امام حق را باید بشناسیم که تنها او ما را به سوی خالق هدایت می کند، تنها اوست که حق را می شناسد و می شناساند.

شناخت امام

باید امام را بشناسیم، جایگاه او را در نظام تکوین و تشریع بدانیم تا بتوانیم راه های یاری او را بیابیم... و اینکه اکنون که دست هایمان از دامان امام کوتاه است، چگونه یاری اش کنیم؟ و چگونه خود را در لشکر او جای دهیم؟

نصرت امام

راه نصرت امام پاک بودن است، امام پاک است و تنها پاکان را گرد خویش جمع می کند چنان چه می فرماید: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ» لیاقت عزاداران اهل بیت عليهم السلام مقامی است که با تعظیم شعائر الله به آن دست می یابند مقامی به

۱ - نهج البلاغة: ص ۴۱۷ نامه ۴۵ و إرشاد القلوب: ج ۲ ص ۲۱۴، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۴۷۴ ب ۲۹ ح ۶۸۶.

عظمت عزیز نمودن اهل بیت در میان مردم، طوری عمل کنیم که مایه زینت اهل بیت عصمت علیهم السلام باشیم که فرمودند: «...حَبَّبُونَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تُبَغِّضُونَا إِلَيْهِمْ، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ خَيْرٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ شَرٍّ فَوَاللَّهِ مَا نَحْنُ كَذَلِكَ...»
الگوی ما، مولای یگانه است، مولای یگانه

یگانه ای چنان که به درگاه الهی «کَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ بِالْغِ فِي رِضْوَانِكَ وَ أَقْبَلَ عَلَى إِيْمَانِكَ غَيْرَ قَابِلٍ فِيكَ عُذْرًا سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَدْعُو الْعِبَادَ إِلَيْكَ وَ يَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ وَ قَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَهْدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّوَابِ وَ يُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ فَعَاشَ فِي رِضْوَانِكَ مَكْدُوداً وَ مَضَى عَلَى طَاعَتِكَ وَ فِي أَوْلِيَائِكَ مَكْدُوحاً» ارباب مهربانی که «يَهْدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّوَابِ» بانیکویی، بدی را نابود ساخت «وَ يُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ...» و لحظه لحظه های عمر را در راه رضای الهی سپری نمود: «فَعَاشَ فِي رِضْوَانِكَ مَكْدُوداً» و در راه رضای الهی جان سپرد: «وَ مَضَى عَلَى طَاعَتِكَ وَ فِي أَوْلِيَائِكَ مَكْدُوحاً» و چه سرمایه ای از دست رفت «وَ قَضَى إِلَيْكَ مَفْقُوداً لَمْ يَعِصْكَ فِي لَيْلٍ وَ لَا فِي نَهَارٍ بَلْ

۱ - الحکایات: ص ۹۳ و الفقه المنسوب الرضوی علیه السلام: ص ۳۵۶ ب ۹۵ و غرر الأخبار: ص ۳۷۵
 فصل ۳۴ و أعلام الدین: ص ۱۴۳. رک. دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۵۷ و صفات الشيعة: ص ۲۸ ح ۳۹ و السرائر: ج ۳ ص ۶۵۰ و مشکاة الأنوار: ص ۱۴۶ فصل ۱۰.

جَاهِدَ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ...» دست نیاز بردامان ارباب کریم خویش
 برمی آوریم تا با یاری طلبیدن از پروردگار یکتا و کسب توفیق الهی، نام ما را
 نیز در طومار عزاداران خویش ثبت کنند، به حق حرمت خودشان به درگاه
 الهی...

گل نرجس به کجایی؟

به خدا آه نفس های غریب تو که آغشته به حزنی است ز جنس غم و ماتم،
 زده آتش به دل عالم و آدم، مگر این روز و شبِ رنگ شفق یافته در سوگ
 کدامین غم عظمی، به تنت رخت عزا کرده ای؟ ای حق مجسم؟ که به جای
 نم شبِ نم، بچکد خون جگر دم به دم از عمق نگاهت؟ نکند باز شده ماه محرم
 که چنین می زند آتش به دل فاطمه آهت؟ به فدای نخ آن شال سیاهت؟ به
 فدای رخت ای ماه! بیا، صاحب این بیرق و این پرچم و این مجلس و این
 روضه و این بزم تویی، آجرک الله! عزیز دو جهان یوسف در چاه، دلم سوخته
 از آه، نفس های غریبت، دل من بال کبوتر شده خاکستر پیر شده، همراه
 نسیم سحری روی پرفطرس معراج، نفس گشته هوایی و سپس رفته به اقلیم
 رهایی، به همان صحن و سرایی که شما زائرانی و خلاصه شود آیا که مرا نیز به
 همراه خودت زیر رکابت ببری تا بشوم کرب و بلایی؟ بین در هوس دیدن

شش گوشه دلم تاب ندارد، نگهم خواب ندارد، قلمم گوشه دفتر غزل ناب ندارد، شب من روزن مهتاب ندارد، همه گویند به انگشت اشاره مگر این غمزده بیچارهء دلدادهء دلسوخته ارباب ندارد... تو کجایی؟ تو کجایی؟ شده ام باز هوایی، شده ام باز هوایی... گریه کن، گریه و خون گریه کن آری، که هر آن مرثیه را خلق شنیده است، شما دیده ای آن را و اگر طاقتان هست کنون من نفسی روضه ز مقتل بنویسم، و خودت نیز مدد کن که قلم در کف من همچو عصا درید موسی بشود چون تپش موج مصیبات بلند است، به گستردگی ساحل نیل است، و این بحر طویل است و ببخشید که این محمل خون برتن تبار حروف است که این روضهء مکشوف لهوف است، عطش بر لب عطشان لغات است و صدای تپش سطر به سطرش، همگی موج مزین آب فرات است، و ارباب همه سینه زنان کشتی آرام نجات است، ولی حیف که ارباب «قَتِيلُ الْعَبْرَاتِ» است، ولی حیف که ارباب «أَسِيرُ الْكُرْبَاتِ» است،

۱ - کامل الزیارات: ص ۱۰۸ ب ۳۶ ح ۳ و ۴ و ۵ و ۶ قال الإمام الحسين عليه السلام: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ (بَكَى)».

الأمالي للصدوق: ص ۱۳۷ مجلس ۲۸ ح ۷ و روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۷۰ و مناقب آل أبي طالب عليهم السلام: ج ۴ ص ۸۷ عنه عليه السلام قال: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ».

کامل الزیارات: ص ۱۰۸ ب ۳۶ ح ۷، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص ۹۸ عنه عليه السلام قال: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوبًا وَ حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ وَ أَقْلَبَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا».

ولی حیف هنوزم که هنوز است حسین ابن علی تشنه یار است وزنی محو
تماشاست ز بالای بلندی، الف قامت او دال و همه هستی او در کف گودال و
سپس آه که «وَالشَّمْرُ» خدایا چه بگویم؟... ارباب دلت تاب ندارد به خدا با
خبرم می گذرم از تپش روضه که خودت غرق عزایی، تو خودت کرب و
بلایی، قسمت می دهم آقا به همین روضه که در مجلس ما نیز بیایی، تو
کجایی... تو کجایی... به فدای دل پر خون و عزادار تو مولای غریبم... تو
کجایی؟ تو کجایی؟....

محرم الحرام ۱۴۳۷ عَشَّ آل مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِم قَمِ الْمَقْدَسَةِ

۱ - المزار الكبير (لابن المشهدي): ص ۵۰۵ الزيارة ۹، بحار الأنوار ج ۹۸ ص ۳۲۲ ب ۲۴: «...وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، مُوَلِّغٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، قَدْ سَكَنْتُ حَوَاسُكَ، وَخَفَيْتُ أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعْتُ عَلَى الْقَنَا رَأْسُكَ، وَسَبَّيْ أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيِّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ».